

وضعیت ساخت و ساز و بنا کردن سازه روی قبور در فقه مقارن

صادق پیشداد

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی

(نویسنده مسئول) دکتر سعید مولوی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی

molavi-s@sku.ac.ir

جناب آقای دکتر محسن فهیم

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده

وضعیت ساخت و ساز روی قبور، که در فقه با تعابیر مختلفی آمده، موضوع فتاوی مختلف فقهی قرار گرفته است. البته مشهور امامیه و عامه آن را نسبت به قبور غیر از انبیاء، ائمه (علیهم السلام) و نیز شایستگان جامعه مکروه دانسته‌اند. اما نگارندگان ضمن پذیرش استثناء مزبور اعتقاد دارند که ادله اطراف مسأله حتی مشهور خالی از خدشه نیستند ولی آن چه مسلم است، اول آن که کسی از امامیه به حرمت ساخت و ساز قبور به نحو اطلاق حکم نداده است و آن چه هم که به شهید ثانی نسبت داده شده، نادرست است، مگر آن که عوارض ناصوبی در خصوص محل دفن یا ابزار و شیوه ساخت و ساز روی دهد، که به حسب مورد حرام است، منتها ارتباطی با اصل حکم ندارد و یک مسأله موردی و جداگانه به حساب می‌آید؛ یعنی در هر عمل انجام شده‌ای، بستگی به وضعیت آن و اراده فاعل دارد. دوم این که آن چه امروزه میان مردمان مسلمان و حتی غیر ایشان مرسوم است که سنگی روی قبر قرار داده و نام و حتی عکس میت را روی آن حک می‌کنند، قطعاً به منظور حفظ نام و یاد متوفا و ممانعت از دستبرد بتاشین و حیوانات به جسد و کهنگی و از بین رفتن قبر است نه چیز دیگری. بر این اساس حتی اگر اضطرار و ضرورت هم بر آن صدق نکند، ایرادی ندارد؛ چرا که از صدر اسلام تا این زمان حتی در میان مشرّعین رایج بوده و ائمه و نیز برخی اصحاب رسول خدا هم با آن مخالفت نکرده‌اند.

کلید واژگان: بنا بر قبور، تجسیص، مکروه، شایستگان جامعه، جائز.

۱- بیان مسئله

در طول تاریخ، همان‌گونه که نسبت به وضعیت انسان‌ها بعد از فوت، مکاتب مختلفی شکل گرفته، درباره تکلیف زندگان نسبت به جسد میت هم همین وضع است، هر چند غالباً، به ویژه مسلمانان، آن را دفن می‌کنند، و بعد از آن روی قبور، سنگی قرار داده، مشخصات و حتی گاهی عکس میت را بر روی آن حک می‌کنند تا از جسد میت در مقابل خطر کفن دزدها و حیوانات مراقبت کرده و یاد او را نیز برای همیشه حفظ کنند. یا بر روی مزار انبیاء، ائمه و حتی شایستگان و نیز نخبگان جامعه سازه‌ای بنا می‌کنند و آن را محلی برای تعظیم ایشان قرار می‌دهند. اما از نظر شرعی این روش‌ها درست‌اند؟ مشهور امامیه و جمهور آن را نسبت به قبور غیر از انبیاء، ائمه و شایستگان جامعه مکروه دانسته‌اند. عدّه قلیلی هم آن را مطلقاً جائز و وهابیت هم به طور مطلق چنین آدابی را حرام اعلام کرده‌اند. با این اوصاف، که از یک سوی روش مرسوم مردمان مسلمان چنین است و از سوی دیگر فقهاء هم وحدت نظر ندارند، به منظور تبیین درست مسأله، انجام یک کار پژوهشی عمیق به روش توصیفی تحلیلی ضرورت دارد، به خصوص که بیش از این به غیر از متون فقهی عمومی، پژوهش مستقلی به

جامعیت نوشتار حاضر در این خصوص انجام نشده است؛ زیرا کارهای پژوهشی قبل از این، یا مربوط به گردش تاریخی مسأله هستند؛ مثل رساله خانم فاطمه حسین زاده با عنوان «تحلیل قرآنی - تاریخی اخبار نهی از بنای بر قبور» با راهنمایی دکتر الهه شاه‌پسند دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم که مقاله آن هم با عنوان «تاریخ‌گذاری اخبار نهی از بنای مسجد بر قبور»، سال ۱۴۰۰ در شماره ۲۹ مجله مطالعات قرآنی چاپ شده است. یا اگر به حوزه فقه وارد شده‌اند تنها از یک زاویه به موضوع پرداخته‌اند؛ مانند مقاله «بررسی و نقد دیدگاه شوکانی در مسأله ساخت گنبد و بارگاه» از سید حمید حسینی در مجله سراج منیر؛ تابستان ۹۵ شماره ۲۲ و یا «بررسی و نقد دیدگاه آلبانی در تحریم بنا مساجد بر قبور» از حسن زرنوشه فراهانی؛ مجله اندیشه نوین دینی بهار ۱۴۰۱ شماره ۶۸ یا «ادله قرآنی و روانی ساخت بنا بر قبور پیشوایان دین از مرضیه پورکریمی و جمشید معصومی» مجله فقه و تاریخ تمدن؛ زمستان ۱۴۰۰ شماره ۴. یا این‌که اساساً بحث را در علم کلام دنبال کرده‌اند؛ مثل پایان نامه «تحلیل کلامی بنای قبور و اماکن متبرکه و زیارت آنها با اتکا بر شواهد تاریخی» از فاطمه شریفی به راهنمایی دکتر محسن مروی نام بغدادآبادی در دانشگاه میبد. به هر صورت نگارندگان اعتقاد دارند؛ آدله استنادی تمام اطراف، همگی یا در برخی موارد تمام نیستند. اما در عین حال دو مسأله مسلم است؛ اول آن‌که کسی از محققان اسلامی، به‌ویژه امامیه به مطلق حرمت ساخت و ساز قبور حکم نداده است و آنچه هم که به شهید ثانی نسبت داده می‌شود نادرست است، مگر آن‌که عوارض ناصوابی در خصوص محل دفن یا ابزار و شیوه ساخت و ساز روی دهد، که به حسب مورد حرام است، منتها ارتباطی با اصل حکم ندارد و یک مسأله قضائی است. دوم این‌که آن‌چه امروزه میان مسلمانان و حتی غیر ایشان، مرسوم است که سنگی روی قبر قرار داده، نام و حتی عکس میت را روی آن حک می‌کنند، قطعاً به منظور حفظ نام و یاد میت و ممانعت از دستبرد کفن‌دزدها و حیوانات به جسد و کهنگی و از بین رفتن قبر است نه چیز دیگری. بر این اساس حتی اگر از روی اضطرار و ضرورت هم نباشد، ایرادی ندارد؛ زیرا از آغاز اسلام تا کنون در میان متدینین رایج بوده، آنمه و نیز برخی اصحاب رسول خدا هم با آن مخالفت نکرده‌اند.

۲- مفهوم شناسی؛ همان‌طور که برخی گفته‌اند؛ «ساخت بنا بر قبور»، به معنای ایجاد بنا و سازه، روی قبر مردگان است و روش آن هم به‌مانند ساختمان‌های مختلف دیگر متفاوت و تابع فرهنگ، محیط و اقلیم مناطق مختلف است. با این حال در کتب فقهی، تعبیر مختلفی آمده است که به تعریف نیاز دارند. البته واژگان مورد نظر حقیقت شرعی و نیز متشرعی خاصی ندارند یا دست‌کم برای آن‌ها بیان نشده و هر آن‌چه از آن‌ها در فقه تبادر می‌شود، همان معنای لغوی است. بر این اساس در شناسائی آن‌ها فقط همین مفهوم گفته می‌شود، مگر در برخی از آن‌ها، که فقهاء در تبیین مصادیق یا برخی توضیحات دیگر آن‌ها اشاراتی داشته‌اند، که از عبارات ایشان هم استفاده می‌شود.

۲-۱- تجصیص؛ این کلمه از ریشه (جَصَّ یا جِصَّ) است که به معنای محکم‌کاری کردن با گچ، ملاط یا حتی به قولی با گل است.^۲ برخی فقهاء هم بدون آن‌که حقیقت شرعی برای این واژه در نظر گرفته باشند، گفته‌اند؛ تجصیص یعنی سفید کردن قبر با گچ و به تعبیری نورانی کرده آن^۳ یا به‌کارگیری گچ برای محکم کردن سنگ و آجرهای داخل یا بیرون قبر است، که در عرف به آن گچ‌کاری گفته نمی‌شود.^۴

۲-۲- تطین؛ از ریشه (طین) به معنای خاکِ آمیخته با آب یا گل است؛ حتی اگر آب آن گرفته و گل خشک شده باشد.^۵ بر این اساس منظور از تطین قبر آن است که داخل یا خارج آن با خاک همان قبر یا خاک دیگری گل‌آلود و با آن محکم شود.

۱. شافعی صغیر، ۱۴۱۳، ۳۳/۳

۲. واسطی، ۱۴۱۴، ۵۰/۵

۳. شافعی صغیر، ۱۴۱۳، ۳۳/۳

۴. میرزای قمی، ۱۴۱۷، ۵۴۴/۳

۵. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۵۳۳؛ حمیری، ۱۴۲۰، ۴۲۰۹/۷

۲-۳- تسنیم؛ گفته شده است؛ تسنیم قبر، به معنای مرتفع کردن قبر بدون تسطیح است مانند پشت ماهی. مسطح کردن.^۶
۲-۴- بنا بر قبور؛ به احتمال، منظور از آن قرار دادن قبر داخل ساختمانی است که قبل از دفن متوفا یا بعد از آن برپا شده است؛ مثل ساخت گنبد و بارگاه و أمثال آن.^۷

۱-۵- تجدید؛ بیشتر به معنای بازسازی، تعمیر و مرمت بنا و سازه شکسته شده و در حال زوال است.^۸

۳- مطالعه و بررسی نظریات؛ جست و جوی گسترده در متون فقهی شیعه و عامه نشان می دهد؛ علی رغم آن که مشهور به یک سمت رفته اند، نظرات مخالف دیگری هم مطرح است. این فتاوا عبارت اند از:

۳-۱- نظریه کراهت؛ در این خصوص گفتنی است؛

۱-۳-۱- مفاد نظریه؛ میان عامه^۹ و امامیه، مشهور^{۱۰} و به نقلی اجماعی^{۱۱} است که هرگونه ساخت و ساز روی قبور مطلقاً و به هر شکلی، اعم از تجصیص، ساخت بنا و حتی برپا کردن سایه بان روی قبور مکروه^{۱۲} و احتیاط در ترک تسنیم آن است،^{۱۳} به شرط آن که در فرایند ساخت، از امور، طرح و نقش های مجاز استفاده شود^{۱۴} یا میت در ملک شخصی اش دفن شود و الا اگر زمین مسبل؛ یعنی برای عموم مردم یا گروه خاصی وقف شده باشد، ساخت و ساز به دلیل از بین بردن حقوق ذی نفعان آینده حرام است. البته قید اخیر با اخبار کراهت سازگار نبوده و از این حیث فرقی میان زمین مسبل و غیر آن یا حتی تجصیص و تطیین^{۱۵} نیست.^{۱۶} بله؛ ضمانت اجرای محل دفن متفاوت است؛ یعنی اگر روی قبر در زمین مسبل، ساخت و سازی صورت گیرد، بر خلاف اراضی غیر موقوفه تخریب آن واجب است.^{۱۷} با همه این ها اگر ضرورتی باشد؛ مانند آن که بیم سرقت از قبر یا تخریب، نبش و غصب برود، کراهت آن از بین می رود.^{۱۸} کما این که ساخت سازه روی قبور انبیاء، ائمه (علیهم السّلام) یا حتی افراد صالح و نخبه در هر حال مکروه نیست.^{۱۹}

۱-۳-۲- مستندات؛ از آن جا که نظر بالا سه جزء دارد، دلایل هر کدام جداگانه بررسی می شود.

الف) کراهت مطلق ساخت و ساز؛ دلایل آن عبارت اند از:

أول؛ سنت؛ مانند

۶. عاملی، ۱۴۱۳، ۴۳/۱

۷. علوی عاملی، بی تا، ۲۷۳/۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۲، ۴۰۳/۷

۸. میرزای قمی، ۱۴۱۷، ۵۴۴/۳

۹. ابن رشد حفید، ۱۴۱۵، ۱۹۵/۱

۱۰. محقق سبزواری، ۱۲۴۷، ۳۴۳/۱

۱۱. شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ۱۸۷/۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ۱۰۵/۲

۱. محقق بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۳۰/۴؛ همدانی، ۱۴۲۱، ۴۲۶/۵؛ رافعی، ۱۳۴۴، ۲۲۶/۵؛ نووی، ۱۴۰۵، ۶۵۲/۱؛ شربینی، ۱۹۵۸م، ۳۶۴/۱؛ شروانی و همکاران، بی تا، ۱۵۷/۳؛

امام مالک، ۱۴۱۵، ۱۸۹/۱

۱۳. محقق سبزواری، ۱۴۱۳، ۲۲۷/۴

۱۴. محقق سبزواری، ۱۴۱۳، ۲۲۷/۴؛ ابن رشد حفید، ۱۴۱۵، ۱۹۵/۱

۱۵. رافعی، ۱۳۴۴، ۲۲۶/۵؛ نووی، ۱۴۰۵، ۶۵۲/۱

۱۶. عظیم آبادی، ۱۴۱۵، ۳۳/۹؛ مبارکفوری، ۱۴۱۰، ۱۳۲/۴

۱۷. رافعی، ۱۳۴۴، ۲۲۶/۵؛ نووی، ۱۴۰۵، ۶۵۲/۱؛ شربینی، ۱۹۵۸م، ۳۶۴/۱

۱۸. فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۴۱۲/۲؛ نراقی، ۱۴۲۲، ۴۱۵

۱۹. فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۴۱۲/۲؛ نراقی، ۱۴۲۲، ۴۱۵؛ شافعی صغیر، ۱۴۱۳، ۳۳/۳

۱- روایت علی بن جعفر از برادرش، امام کاظم (علیه السلام)؛ که بر اساس آن امام در پاسخ به سؤال او در مورد ساختن قبور و نشستن روی آن‌ها فرمودند؛ شایسته نیست.^{۲۰}

اشکال؛ سند این خبر به خاطر علی بن أسباط قابل اعتماد نیست؛ چون فطحی مذهب بوده، بر همین مسلک هم از دنیا رفته است. جواب؛ کشی گفته است؛ او از این مذهب برگشته و مورد اعتماد و صادق‌ترین فرد در نقل اخبار است.^{۲۱} نجاشی هم ضمن توثیق او نوشته است؛ ایشان از مذهب خود رجوع کرده بود، هرچند معلوم نیست این روایت قبل از رجوع بوده یا بعد از آن. با این حال مسلماً روایات ایشان از حضرت رضا قبل از رجوع بوده است.^{۲۲} به همین خاطر خبر بالا از روایات مورد اعتماد همگان است و راهی برای طعن به آن نیست،^{۲۳} تا جایی که حتی برخی آن را خبری با قوی‌ترین سند معرفی کرده‌اند.^{۲۴}

۲- حدیث مناهی؛ در این خبر که آن را امام صادق از پدارنشان از حضرت امیر نقل می‌کند و مربوط به منع‌های رسول خدا است، ایشان از قبرسازی بر اموات نهی کرده‌اند.^{۲۵}

گفتنی است؛ از آن‌جا که دلیل روشنی بر حرمت وجود ندارد و تناسب بین حکم و موضوع هم آن را تأیید نمی‌کند، نهی مزبور باید حمل بر کراهت شود، به خصوص که روایاتی مبنی بر جواز هم وارد شده است، که در آینده بحث می‌شوند.

۳- خبر أصبغ بن نباته؛ محمد بن سنان از أبو الجارود از أصبغ بن نباته از حضرت امیر نقل می‌کنند که «من جدّد قبراً أو مثلاً مثلاً فقد خرج عن الإسلام»^{۲۶} یعنی هر کس قبری را تجدید کند یا تمثیلی روی آن بنا کند، از اسلام خارج می‌شود. در خصوص این خبر نکات زیر گفتنی است؛

أول؛ اصحاب در إملاء آن اختلاف دارند؛ زیرا محمد بن حسن صفار جمله شرط را به صورت «جَدَّد» به معنای نوسازی کرد، خوانده‌اند. سعد بن عبدالله آن را «حَدَّد» دانسته است که معنای تسطیح و صاف کردن قبر تا سطح زمین و برابر با آن می‌دهد. برقی هم آن را «جَدَّتْ» خوانده، که مربوط به نبش قبر و دفن میتی در قبر متوفای شخص دیگر است یا به اعتقاد برخی بازسازی قبر مندرس هم در آن نهفته است.^{۲۷} مفید هم آن را «حَدَّد» به معنای شکافتن قبر برای تدفین یا نبش دانسته است.^{۲۸} با این وجود از آن‌جا که اختلاف بالا به خاطر اخبار و دلایل دیگر برای اصل بحث ضروری ندارد؛ از بحث تفصیلی تا رسیدن به املاء درست خبر اجتناب می‌شود.

دوم؛ در خصوص ذیل خبر، که تجدید و تمثیل را موجب خروج از اسلام دانسته، گفتنی است؛ مطابق قاعده، مسلمانان با انکار ضروری دین از اسلام خارج می‌شوند و ضروری دین نیز آن است، که یا مانند اصل حجاب در قرآن آشکارا آمده باشد یا همه مسلمانان آن را قبول کنند یا انکار آن موجب انکار نبوت و معاد شود. اما در موضوع روایت هیچ‌کدام از این مؤلفه‌ها صادق نیست. به همین خاطر در توجیه آن گفته شده است؛ خروج از اسلام در جایی اتفاق می‌افتد که تجدید و تمثیل کننده با علم به کراهت یا حرمت، آن را نپذیرد و در این

۲۰. شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۴۶۱/۱، شیخ طوسی، ۱۳۹۰، ۲۱۷/۱؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۱۰/۳

۲۱. محقق سبزواری، ۱۲۴۷، ۳۴۳/۲

۲۲. علوی عاملی، بی‌تا، ۲۷۲/۱

۲۳. محقق سبزواری، ۱۲۴۷، ۳۴۳/۲

۲۴. علامه مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۱۶/۱۴

۲۵. شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۳/۴؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۱۱/۳

۲۶. شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۴۵۹/۱، برقی، ۱۳۷۱، ۶۱۳/۲

۲۷. محقق حلی، ۱۴۰۷، ۳۰۴/۱

۲۸. میرزای قمی، ۱۴۱۷، ۵۴۳/۳

راستا بنای مخالفت با امام (علیه السلام) را داشته باشد یا این که اساساً مقصود امام، مبالغه در زشتی موضوع و نیز به احتمال نفی کمال است.^{۲۹}

سوم؛ از نظر برخی فقهاء منظور از «مثل مثلاً»، که هم طراز تجدید قبور آمده است؛ ایجاد بدعت و رسم جدید در تدفین و دعوت همگان به رعایت آن است.^{۳۰} بعضی هم به استناد اصالة الظهور و اصل حقیقت گفته اند؛ ممکن است مراد از آن تصویرسازی صاحبان روح یا بت بر روی قبور باشد،^{۳۱} که در برخی مناطق و زمان ها مرسوم بوده و هست.

چهارم؛ گفته شده است که محمد بن مسلم و حتی أبو الجارود هر دو ضعیف اند. اما با این وصف، گفته و از شهید اول و شهید ثانی هم نقل شده است^{۳۲} که ضعف این خبر هم مانند حدیث اول ضرری ندارد؛ چون بزرگانی مثل صفار، سعد بن عبدالله، أبو عبدالله برقی، صدوق، شیخ طوسی و شیخ مفید همین متن را عیناً قبول کرده اند، که به اعتبار خبر نزد ایشان اشعار دارد.^{۳۳} مضاف بر آن که هم عمل اصحاب ضعف آن را جبران می کند^{۳۴} و هم قاعده تسامح در آذله سنن بر حجیت آن صحه می گذارد.^{۳۵}

۴- روایت سکونی؛ که از امیرالمؤمنین نقل می کند؛ رسول خدا من را به مدینه فرستادند و فرمودند؛ هیچ قبری را بدون تسویه؛ یعنی صاف کردن آن با سطح زمین رها نکنید.^{۳۶} بر این اساس هرگونه افزودنی روی قبر فراتر از این، خلاف فرمان نبوی است. النهایه به دلیل وجود احادیث جواز و نیز اقتضاء مناسبت حکم و موضوع، نهی مزبور حمل بر کراهت می شود.

۵- خبر جرّاح مدائنی؛ از امام صادق که فرمودند؛ روی قبور، سازه ای بنا نکنید؛ زیرا رسول خدا از آن کراهت داشتند.^{۳۷}

۶- وصیت نامه حضرت زهراء به امیرالمؤمنین؛ که در آن ایشان تنها به تسویه قبر با زمین سفارش می کنند^{۳۸} و علی رغم آن که ایشان در مقام بیان بوده و به همین خاطر هم سفارشات مفصلی در مورد شیوه تجهیز، تشییع و تدفین، گریه بر مزار، قرائت دعا و قرآن و امثال این ها دارند، نسبت به جزئیات؛ مانند ساخت قبه و بیت بر مزار خود توصیه نکرده اند. همین نشان می دهد؛ چنین اضافاتی درست نیست.

۷- روایت محمد بن علی؛ از امام صادق (علیه السلام) که فرمودند؛ روی میت غیر از خاک قبر چیزی اضافه نکنید؛ چون بر بدن او سنگینی می کند.^{۳۹}

۸- خبر جابر؛ از رسول خدا که فقهاء عامه به آن استناد کرده اند. در این حدیث رسول خداوند از تجصیص، نوشتن، ساخت بنا و راه رفتن روی قبور نهی کرده اند.^{۴۰} مشهور جمهور، این خبر را حمل بر کراهت کرده اند،^{۴۱} هر چند تعدادی هم از آن حرمت فهمیده اند. به همین دلیل تفصیل این خبر، ذیل نظریه حرمت مطرح و بررسی می شود.

۲۹. میرزای قمی، ۱۴۱۷، ۵۴۴/۳، نراقی، ۱۴۲۲، ۴۱۶

۳۰. برقی، ۱۳۷۱، ۶۱۳/۲؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۱۹۱/۱

۳۱. میرزای قمی، ۱۴۱۷، ۵۴۴/۳

۳۲. فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۴۰۹/۲

۳۳. نراقی، ۱۴۲۲، ۴۱۵

۳۴. نراقی، ۱۴۲۲، ۴۱۵؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۴۰۹/۲

۳۵. نراقی، ۱۴۲۲، ۴۱۵

۳۶. کلینی، ۱۴۰۷، ۵۲۸/۶؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۰۹/۳

۳۷. شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۴۶۱/۱؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳۰۶/۵

۳۸. محدث نوری، ۱۴۰۸، ۳۳۹/۲؛ علامه مجلسی، ۱۴۱۰، ۲۷/۷۹

۳۹. شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۱۸۹/۱؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۰۳/۳

۴۰. ترمذی، ۱۴۰۳، ۲۵۸/۲؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۳۵، ۳۷۰/۱؛ ابن حبان، ۱۴۱۴، ۴۳۳/۷؛ ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ۲۱۸/۳

۴۱. رافعی، ۱۳۴۴، ۲۲۶/۵؛ نووی، ۱۴۰۵، ۶۵۲/۱؛ شربینی، ۱۹۵۸، ۳۶۴/۱

دوم؛ اجماع؛ علامه به طور کلی نسبت به کراهت هرگونه ساخت و ساز بر قبور اعم از تجسیص، تطین قبل از اندراس و کهنگی، مقبره و ساختمان سازی بر قبور^{۴۲} و از شیخ هم روایت شده است که در خصوص کراهت تجسیص قبور اجماع کرده‌اند.^{۴۳}

ارزیابی؛ اجماع مزبور، اگر هم درست باشد، که با وجود مخالفت‌های موجود، نیست، مدرکی است.

گفتنی است؛ نهایت ارزش اجماع مدرکی، در باب حل تعارض و به تعبیری نفی حجیت اخبار متعارض است، که در نوشتار حاضر هم در این راستا احتیاجی به آن نیست و راه‌های علاج دیگری استفاده می‌شود.

سوم؛ استحسان؛ گفته شده است؛ این قبیل ساخت و سازها، زینت و ابزارهای رفاه و اسباب مباحات و فخر انسانها در دنیا هستند و با عالم آخرت تناسبی ندارند؛^{۴۴} زیرا آن جا تنها علم و عمل به متوفا زینت می‌دهد و مباحات، بی‌ثمر بلکه مضر است.^{۴۵} یا نوشته‌اند؛ قبر برای بلا است نه برای بقاء؛ به همین خاطر زینت‌های دنیوی روی آن مردود است. گفتنی است؛ از آن جا که زینت و رفاه در این دنیا مستحب است، حرمت آن برای اعمال مربوط به آن عالم، تناسب بین حکم و موضوع را نقض می‌کند و باید مکروه باشند.

ارزیابی؛ علاوه بر عدم حجیت استحسان، که دست کم امامیه به آن اعتقاد دارد، این‌ها همه بستگی به نیت افراد دارد و ضرورتی بر یگانگی آن‌ها نیست؛ یعنی ممکن است فردی در ساخت و ساز قبور، قصد رفاه نداشته باشد، بلکه به اقتضاء ضرورتی و برای جلوگیری از تخریب و کهنگی، آن‌ها را انجام دهد. ضمن این‌که استدلال اخص از مدعا است؛ چون تمام مصادیق موضوع، زینت نیستند.

چهارم؛ شهرت؛ برخی، کراهت تجسیص قبور را فتوای مشهور فقهاء دانسته‌اند.^{۴۶}

ارزیابی؛ اولاً این دلیل منوط به حجیت شهرت در عرض سنت است، که تحقیقاً، دست کم به عنوان دلیل ارزش ندارد و تنها در اندازه تأیید قابل استناد است. ثانیاً اخص از مدعا است؛ چون شهرت مزبور فقط در مورد تجسیص است و بقیه موارد را شامل نمی‌شود.

پنجم؛ سیره صحابه؛ برخی فقیهان عامه در خصوص کراهت سایه‌بان‌سازی روی قبور، به رفتار خلیفه دوم استناد کرده‌اند، که وقتی دید روی قبری سایه‌بانی بنا شده است، ناله سر داد و گفت، آن‌را رها کنید که تنها عمل متوفاً سایه‌بان او است.^{۴۷}

ارزیابی؛ فارغ از عدم حجیت مستقل عمل اصحاب، استدلال مزبور، اخص از مدعا بوده و برای کراهت مطلق کافی نیست.

ب) کراهت به شرط اباحه لوازم ساخت و ساز؛ این قید را تقریباً همه فقهاء، [البته بدون ذکر دلیل] مطرح کرده‌اند.^{۴۸} ظاهراً دلایل ایشان عبارت‌اند از؛

- ۱- از آن جا که مستلزم حرام، حرام است، اگر عمل حرامی در فرایند عمرانی صورت گیرد، مقبره‌سازی بر قبور هم حرام خواهد بود.
- ۲- گفته شده است؛ کراهت تنها در جایی است که متوفا در ملک شخصی‌اش دفن شود و الا اگر زمین مسپل باشد؛ یعنی برای عموم مردم یا گروه خاصی وقف نشده باشد، ساخت و ساز حرام است؛ زیرا باعث تضییع حقوق ذی‌نفعان بعدی می‌شود، که حرمت آن بدیهی و غیر قابل تردید و انکار است. در این صورت هم اگر ضرورتی پیش آید؛ مانند بیم سرقت از قبر یا تخریب و غضب آن؛ به دلیل حدیث

۴۲. علامه حلی، ۱۴۱۴، ۱۰۵/۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۹، ۲۸۴/۲

۴۳. میرزای قمی، ۱۴۱۷، ۵۴۱/۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۴۰۹/۲؛ نراقی، ۱۴۲۲، ۴۱۵؛ شهید اول، ۱۴۱۹، ۳۶/۲

۴۴. علامه حلی، ۱۴۱۲، ۴۰۱/۷؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۴۰۸/۲

۴۵. الحطاب الرعینی، ۱۴۱۶، ۵۹/۳؛ سرخسی، ۱۴۰۶، ۶۲/۲

۴۶. علامه حلی، ۱۴۱۲، ۴۰۱/۷

۴۷. شربینی، ۱۹۵۸م، ۳۶۴/۱

۴۸. محقق بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۳۰/۴

رفع و قاعده «الضرورات تبيح المحذورات» تجدید بناء بر آن ایرادی ندارد؛ منتها، مطابق قاعده^{۴۹} باید به اندازه ضرورت انجام شود و اضافه آن حرام است. همین بیان نشان می‌دهد که در مسیر ساخت و ساز قبور نباید حرامی انجام شود.

ج) استحباب مقبره‌سازی روی قبور انبیاء و ائمه (علیهم‌السلام)؛ مستندات فقهاء امامیه و بعضی از عامه^{۵۰} عبارت‌اند از:
۱- روایات مستفیض^{۵۱} مبنی بر فضیلت تعمیر و تعاهد قبور ایشان؛ از جمله خبر اِبی عامر از امام صادق از حضرت امیر از رسول خدا که ایشان به تعمیر تربت و مشهد امیر المؤمنین فرمان دادند.^{۵۲}

اشکال اول؛ این اخبار با اطلاق روایات مربوط به نهی از تجسیص تعارض دارند. حاصل جمع آن‌ها نیز آن است که روایات جواز مربوط به ساخت قبه و أمثال آن بر مزار ائمه (علیهم‌السلام) است نه تجسیص خود قبر.^{۵۳}
جواب؛ با فرض حجیت اخبار نهی، خللی به اصل استثناء محل بحث وارد نمی‌شود و فقط در گستره استحباب، مناقشه می‌شود، که آن هم در این جا محل بحث نیست.

اشکال دوم؛ ممکن است کسی بگوید از باب قیاس اولویت، منع از تجسیص به طریق اولی منع از بنای بر قبور را شامل می‌شود. جواب؛ قیاس اولویت زمانی قابل استناد است که اولاً در خصوص موضوع نصی وجود نداشته باشد تا بتوان به اصالة الظهور استناد کرد، که در خصوص استثناء محل بحث وارد شده است. ثانیاً دلیل قطعی برای موضوع اصلی وجود داشته باشد تا از با اولویت از آن برای موضوع فرعی استفاده شود، که در خصوص تجسیص أدلة منع تجسیص قطعی نیستند.
۲- اجماع؛ بلکه اتفاق امامیه در تمام دوره‌ها.^{۵۴}

ارزیابی؛ برخی از اصحاب امامیه هرگونه فعالیت روی قبور ائمه و بزرگان دین، اعم از تجسیص، تجدید (بازسازی) و تظلیل (سایه‌بان‌سازی) را مکروه دانسته‌اند، مگر آن‌که انگیزه دیگری در میان باشد.^{۵۵} بر این اساس، ادعای اجماع، عجیب و قول به اتفاق، عجیب‌تر است.

۳- سیره متشرعه؛ همه متدینین و حتی مسلمانان عادی در سده‌های مختلف، در منظر ائمه موافق ساخت بنا بر قبور ایشان بوده و حتی بر آن همت داشته‌اند.^{۵۶}

اشکال اول؛ این مقدار، برای اثبات استحباب کافی نیست، هر چند صغرای آن؛ یعنی اصل گنبد و مقبره‌سازی متشرعین به خصوص نسبت به قبور ائمه، از جمله حضرت امیر^{۵۷} و امام حسین^{۵۸} در طول تاریخ و حتی زمان حضور در تاریخ نقل شده و مسلم است. دلیل عدم کفایت هم آن است که سیره تنها مشروعیت عمل را می‌رساند و بیش از آن حتی در اندازه استحباب دلیل لازم دارد.^{۵۹}

۴۹. قاعده «الضرورات تقدّر بقدرها»؛ یعنی ضرورت تا همان اندازه حکم را بر می‌دارد.

۵۰. شافعی صغیر، ۱۴۱۳، ۳۳/۳

۵۱. شافعی صغیر، ۱۴۱۳، ۳۳/۳

۵۲. شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳۸۳ تا ۳۸۲/۱۴

۵۳. همدانی، ۱۴۲۱، ۲۸۹/۱

۵۴. محقق بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۳۲/۴؛ نراقی، ۱۴۲۲، ۴۱۶؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۷، ۳۴۳/۲

۵۵. کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ۳۰۱/۲

۵۶. محقق سبزواری، ۱۲۴۷، ۳۴۳/۱

۵۷. حرزالدین، ۱۳۸۵، ۳۷۰ تا ۳۶۳/۱

۵۸. کلیددار، ۱۳۶۸، ۱۵۱؛ آل طعمه، ۱۴۱۶، ۸۸ تا ۷۱

۵۹. مظفر، ۱۴۱۷، ۱۷۶/۴

جواب؛ درست است اما علمای اصول گفته‌اند؛ از مداومت و استمرار یک عمل میان متشرعین می‌توان استظهار استحباب کرد،^{۶۰} به‌خصوص در محل بحث که روایات و أدله دیگری هم کنار سیره وجود دارد و می‌توان اصل جواز آن را از سیره استظهار و مازاد بر آن را با أدله دیگر ثابت کرد.

اشکال دوم؛ همان‌طور که برخی بزرگان به‌صورت ضمنی^{۶۱} یا به‌نوعی آشکارا^{۶۲} تردید کرده‌اند، حجیت سیره قابل تأمل است. جواب؛ تأمل و حتی عدم حجیت مربوط به استقلال آن است ولی اگر تقریر، تأیید و حتی عدم مخالفت امام را با خود داشته باشد، در حجیت آن تردیدی نیست. به همین دلیل برخی گفته‌اند؛ محل بحث بدون تردید از ضروریات مذهب است.^{۶۳}

۴- عقل غیر مستقل؛ این قبیل سازندگی‌ها مقدمه مستحباتی؛ مانند کمک به زیارت قبور ایشان، تعظیم شعائر خداوند و به‌دست آوردن مصالح دینی است، که فقط با این قبیل عملیات عمرانی حاصل می‌شود،^{۶۴} به‌شمار می‌آیند و دست‌کم استحباب و حسن عقلی دارند. بر همین اساس، برخی هم بر گستره آن افزوده، فرزندان ائمه، علماء، شایستگان ائمت و حتی ارباب شرف و فضیلت، که خداوند ماندگاری رسم و نام آن‌ها را در راستای فیض بردن مردم از زیارت و تبرک قبور ایشان دوست دارد،^{۶۵} را نیز مشمول آن دانسته‌اند و هم ضعف اخبار منع را، به‌عنوان سند دیگری برای شمول جواز نسبت به این افراد، معرفی کرده‌اند.^{۶۶} ایشان همچنین نوشته‌اند؛ علاوه بر ساخت و ساز، آراستن قبور با فرش، چراغ و هر آنچه موجب تعظیم و تکریم می‌شود، نیز جائز بلکه مستحب است.^{۶۷} اشکال؛ عقل، تنها حسن عمل را می‌رساند و استحباب از آن استفاده نمی‌شود، به‌خصوص که در باب استحباب شرعی مقدمه مستحب، به‌مانند مقدمه واجب حرف‌های فراوانی در علم اصول فقه وجود دارد.

جواب؛ بله منتها باید توجه داشت که استحباب درجه پائین حسن است و مانند وجوب دلیلی بیشتری لازم ندارد.

۲-۳- نظر به جواز؛ در این خصوص گفته‌های زیر لازم‌اند؛

۱-۲-۳- مفاد نظریه و طرف‌داران آن؛ ابوحنیفه از عامه^{۶۸} و برخی امامیه ساخت و ساز روی قبور، به هر شکلی را تا آن‌جا که امر حرامی انجام نشود، جائز دانسته‌اند.^{۶۹} ولی در عین حال گفته‌اند؛ با این وصف دلیلی بر استحباب آن، دست‌کم در تمام موارد وجود ندارد.

۲-۳-۲- مستندات؛ که عبارت‌اند از:

۱- کتاب؛ گمان شده است که آیات مربوط به بیدار و زنده شدن اصحاب کهف بعد از سالها و پیشنهاد اهل توحید آن زمان مبنی بر ساخت مسجدی روی قبور آنها جهت عبادت،^{۷۰} دلیل روشنی بر جواز ساختمان‌سازی و برافراشتن بنا روی قبور است.^{۷۱}

۶۰. مظفر، ۱۴۱۷، ۱۷۶/۴

۶۱. همدانی، ۱۴۲۱، ۱۷۰/۲

۶۲. شهید صدر، ۱۴۲۶، ۲۳۶/۴

۶۳. محقق سبزواری، ۱۴۱۳، ۲۲۹/۴

۶۴. محقق بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۳۲/۴

۶۵. همدانی، ۱۴۲۱، ۴۲۶/۵

۶۶. محقق بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۳۲/۴

۶۷. محقق بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۳۲/۴؛ نراقی، ۱۴۲۲، ۴۱۶؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۷، ۳۴۳/۲؛ میرزای قمی، ۱۴۱۷، ۵۴۱/۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۴۱۳/۲

۶۸. ابن رشد حنفی، ۱۴۱۵، ۱۹۵/۱

۶۹. فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۴۰۹/۲؛ قزوینی حانری، ۱۳۹۷، ش ۵۶

۷۰. کهف: ۲۱

۷۱. شهید اول، ۱۴۱۰، ۲

ارزیابی؛ آیه مزبور به دلایل زیر قابل استناد نیست؛

یک. همه مفسرین عامه و امامیه گفته‌اند که مطابق این آیه، مشرکین بعد از آگاهی از عاقبت اصحاب کهف توصیه به ساخت دیواری اطراف ایشان برای دوریشان از مردم داشتند. اما مسلمین، پادشاه موحد زمان یا اقوام اصحاب کهف، گفتند بر روی آن‌ها مسجدی بنا می‌کنیم تا مردم در آنجا به عبادت پردازند و یاد ایشان را برای همیشه گرامی بدارند و از آنها فیض بگیرند.^{۷۲} بر این اساس دلالت آیه بر محل بحث قطعی نیست؛ زیرا آیه در واقع در مقام بیان یک قطعه تاریخی است و نه حکم فقهی. شاید به همین خاطر هیچ فقهی آیه را در عمومیت موضوع محل بحث مورد استناد قرار نداده است. اگر هم در کتابی بحث شده است، در خصوص ساخت مسجد در اطراف قبور^{۷۳} و نهایتاً برپا کردن بنا بر قبور صالحین^{۷۴} و در کتب غیر فقهی؛ به ویژه کتب مربوط به اعتقادات شیعه و نقد وهابیت در مسأله زیارت اهل قبور و مسجدسازی است.

دو. اساساً آیه، جزء آیات الاحکام نیست، که هم در مقام بیان حکم فقهی باشد و هم حکمی همیشگی، همگانی، لازم و دارای ضمانت اجرا را بیان کند. بلکه از قصص قرآن و مربوط به داستان اصحاب کهف بوده و در مقامی بیش از این نیست.^{۷۵} بنا بر این برای صدور حکم فقهی ولو در اندازه جواز قابل استناد نیست. به اضافه که با فرض قابلیت، اخص از مدعا است؛ زیرا فقط جواز مسجدسازی روی قبور را نشان می‌دهد.^{۷۶}

سه. اختلافات در دلالت آیه فراوان و تا اندازه هزاران قول است.^{۷۷} لذا نمی‌تواند دلیل یک حکم فقهی قرار گیرد. اشکال؛ با همه این‌ها اما نفس جواز از آن قابل استنباط است.

جواب؛ اولاً تنها در خصوص ساخت مسجد بر اطراف قبور، ساخت بنا بر قبور صالحین و نهایتاً برای استثناء از حکم کراهت مناسب است و عمومیت محل بحث حقا و انصافاً از آیه استفاده نمی‌شود. ثانیاً به تنهایی کفایت نمی‌کند و همانطور که برخی گفته‌اند^{۷۸} باید قیاس اولویت هم به آن ضمیمه شود. ثالثاً آیه، مربوط به قبل از اسلام است و از آن جا که در مقام بیان حکم فقهی نیست و تنها تاریخ را نقل می‌کند، در همین حد هم تنها زمانی قابل استناد است که در علم اصول «شرع من قبلنا» یا استصحاب شرایع سابقه حجت باشد، که دست کم از نظر امامیه قطعی نیست و مخالفینی^{۷۹} دارد. اضافه بر آن که استصحاب شرائع هم در جایی است که در ادیان سابق حکمی، قطعی باشد، که در محل بحث چنین سندی در دست نیست و نهایتاً نسبت به مسجدسازی آیه دلالت دارد، که اخص از مدعا است.

۲- سنت؛ مانند خیر یونس بن یعقوب از حضرت کاظم که در بازگشت از بغداد، در مسیر مدینه وقتی دخترشان در فید از دنیا رفت، بعد از دفن نسبت به تجویز، نوشتن نام ایشان روی لوحی و قراردادن آن بر روی قبر فرمان دادند.^{۸۰} یا احادیث مربوط به اقرار رسول خدا و انبیاء دیگر مبنی بر ساخت و ساز بر قبور اسماعیل و هاجر و حتی اقرار خلفاء راشدین مربوط به ساخت و ساز قبر ابراهیم خلیل الله.^{۸۱}

۷۲. علامه طباطبائی، ۱۴۱۷، ۲۶۷/۱۳؛ طبرسی، ۱۴۱۳، ۷۱۰/۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۴۴۷/۲۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ۲۲۴/۸

۷۳. مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ۸۵

۷۴. سبحانی، ۱۴۲۷، ۸۴/۱

۷۵. مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ۸۵

۷۶. مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ۸۵

۷۷. علامه طباطبائی، ۱۴۱۷، ۳۷۲/۱۳

۷۸. شهید اول، ۱۴۱۰، ۲

۷۹. حائری اصفهانی، ۱۴۰۴، ۳۸۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ۱۹

۸۰. کلینی، ۱۴۰۷، ۲۰۲/۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۴۶۱/۱؛ شیخ طوسی، ۱۳۹۰، ۲۱۷/۱؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۰۳/۳

۸۱. قزوینی حائری، ۱۳۹۷، ۵۶

ارزیابی؛ اولاً اخبار معارض دارند.

ثانیاً برخی در متن روایات تردید کرده، آن‌ها را بر تطیین و گل مالی کردن داخل قبر با خاکی غیر از خاک قبر و تجسیص یعنی گچ کاری کردن قبر و برخی تزینات دیگر قبر به خصوص داخل آن حمل کرده، یا آن‌ها را ناظر به موارد خاص و اضطراری در جایی که بیم نبش قبر یا حمله حیوانات به قبر و باز کردن آن و جسارت به میت، وجود دارد، دانسته‌اند. ثالثاً خبر اول مربوط به فرزند امام است که از حکم کراهت استثناء شده است.^{۸۲}

۳- إجماع؛ که برخی ادعا کرده‌اند.^{۸۳}

ارزیابی؛ علاوه بر این که مدرکی است، ادعای آن هم با آمار بالای فقیهان مخالف با این نظر از گذشته تا الان عجیب است!

۴- أصل؛^{۸۴} که احتمالاً در کنار اصل اباحه، مراد از آن برائت در شبهات حکمیّه تحریمیّه نیز هست.

ارزیابی؛ با وجود دلایل گذشته جایی برای تمسک به اصل نیست.

۵- بی‌اعتباری روایات کراهت؛ گفته شده است؛ اولاً نهی در این اخبار اعم از حرمت و کراهت است و به سمت هیچ کدام چرخش ندارد. ثانیاً کسی از فقهاء به این اخبار عمل نکرده است.^{۸۵}

ارزیابی؛ این مقدار برای اثبات جواز کافی نیست؛ یعنی عدم دلیل برای حرمت و کراهت یا ضعف آن‌ها به تنهایی دلیل جواز محسوب نیست، بلکه زمینه‌ساز به‌کارگیری اصل اباحه محسوب می‌شود، که آن هم پیش از این بحث شد.

۶- سیره متشرّعه؛ در طول تاریخ، امت اسلامی و حتی ائمه برای حفظ قبور از کهنگی و اندراس و محافظت از تعرّض دزدان قبور، ساخت و سازهایی روی قبور انجام می‌دادند. و همین مقدار اگر دلیل یا مؤیدی برای استحباب نباشد، قطعاً جواز را ثابت می‌کند.^{۸۶}

۷- امروز منافی بر ساخت بنا بر قبور مترتب است، که قابل انکار نیست و آشکارا جواز آن را می‌رساند.^{۸۷} در همین راستا از ابن جنید نقل شده است که «من تجسیص قبور را دوست ندارم؛ چون زینت آن‌ها است اما ساخت بنا و برپا کردن سایه‌بان روی قبور ایرادی ندارد؛ چون موجب صیانت و حفاظت از زوّار و قبور می‌شود.»^{۸۸}

ارزیابی؛ آن چه قائلین به کراهت گفته‌اند، مخصوص مواردی است که منافع خاصی دنبال آن نباشد و الا ایشان هم در چنین مواردی اباحه را انکار نکرده‌اند.

۳-۳- نظریّه تفصیل؛ بعضی متقدّمین به‌عنوان طراح این نظر^{۸۹} و ابن جنید، آن چنان که از ایشان نقل شده،^{۹۰} بین ساخت سازه‌های اولیه قبور و بر آن‌ها در آغاز دفن و بعد از اندراس، کهنگی و روبه‌نابودی رفتن آن تمییز داده، اولی را مکروه اما دومی را اجازه داده‌اند.

۸۲. محقق سبزواری، ۱۴۱۳، ۲۲۷/۴

۸۳. فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۴۰۹/۲؛ قزوینی حائری، ۱۳۹۷، ش، ۵۶

۸۴. فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۴۰۹/۲

۸۵. قزوینی حائری، ۱۳۹۷، ش، ۵۶

۸۶. قزوینی حائری، ۱۳۹۷، ش، ۵۶

۸۷. سبحانی، ۱۴۱۰، ۱۱۵

۸۸. علامه حلی، ۱۴۱۳، ۳۱۵/۲؛ اشتهازدی، ۱۴۱۶، ۷۲

۸۹. شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ۴۴؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۱، ۲۲

۹۰. محقق کرکی، ۱۴۱۴، ۴۴۹/۱؛ میرزای قمی، ۱۴۱۷، ۵۴۱/۳

ارزیابی؛ اولاً از یک طرف، این تفصیل به صراحت در منابع اجتهاد نیامده، ظاهراً ماحصل جمع میان اخبار متعارض است.^{۹۱} و از سوی دیگر، چون در این خصوص وجه جمع‌های مختلفی؛^{۹۲} مانند اختصاص روایات منع به تجویص و زینت دادن داخل و باطن قبور و احادیث جواز به بیرون قبر یا موجبیت روایات جواز برای انصراف اخبار منع از تحریم به کراهت،^{۹۳} یا اختصاص خبر جواز به قبور اولیا خبر منع به غیر ایشان^{۹۴} پیشنهاد شده است، بر این اساس جمع مزبور به نحو قاطع قابل اعتماد نیست. ثانیاً نه تنها اصلاً دلیل مثبتی برای چنین جمعی وجود ندارد یا دست‌کم بیان نشده،^{۹۵} اطلاق خبر علی بن جعفر از امام کاظم هم مخالف آن است.^{۹۶}

ثالثاً در کلمات شیخ، تفصیل بین تطین ابتدائی و بعد از اندراس آمده است و الا ایشان تجویص قبور را مطلقاً مکروه می‌دانند.^{۹۷} پس نسبت طراح و حتی اعتقاد به شیخ درست نیست. در مورد ابن جنید هم قبلاً عبارت ایشان نقل و معلوم شد که به چنین تفصیلی قائل نیست.

اشکال؛ دلیل شیخ، خبر سهل بن زیاد از ابن محبوب از یونس بن یعقوب است که بر اساس آن امام کاظم وقتی از بغداد برگشتند و قصد سفر به مدینه داشتند، به موالی خود امر فرمودند که قبر او را گچ مالی کنند و روی لوحی نام ایشان را نوشته و بر روی قبر قرار دهند. و همین اجازه، کاشف از جواز در صورت اندراس است.

جواب؛ به اعتقاد برخی، ایراد وارد نیست؛ چون شیخ در مقام جمع بین این خبر و خبر علی بن جعفر گفته است؛ خبر دوم حرمت عمل را بر می‌دارد و خبر اول هم در اندازه کراهت اعتبار دارد.^{۹۸} ولی این حرف دقیق نیست؛ چون با این حساب امام به یک امر مکروه امر کرده‌اند،^{۹۹} که دون شأن ایشان است. به هر تقدیر گمان برخی مبنی بر استناد شیخ به این خبر قابل اعتناء نیست.

رابعاً مطابق نظر شیخ، نجاشی و ابن عضائری^{۱۰۰} خبر جواز به خاطر سهل بن زیاد، ضعیف است.^{۱۰۱}

۳-۴- نظریه حرمت؛ از شهید ثانی نقل شده که تجدید قبور و هرگونه ساخت و ساز و تزئین قبور مطلقاً حرام است.^{۱۰۲} برخی از عامه هم با ذهنیتی که از مفاقد ائمه و برگزاری مراسمات دینی و عبادی مختلف از جمله اقامه نمازهای واجب توسط امامیه در آن جا دارند، مسجده سازی روی قبور را به طور کلی حرام و تفصیل شافعی مبنی بر کراهت ساخت بنا بر قبور در ملک شخصی و حرمت آن در زمین وقفی را بدون دلیل دانسته‌اند. دلایل ایشان عبارت‌اند از؛

۱- تشبّه به مشرکین؛ که عمده‌ترین دلیل قائلین است. با این توضیح که این نوع رفتارها و نیز اقامه نماز بر قبور یا در مساجد روی قبور، عبادت غیر خدا و شرک در عبادت تلقی و موجب نجاست مرتکب است. کما این که زینت کردن قبر به معنای تعظیم میت است و این

۹۱. صاحب جواهر، ۱۳۶۵، ۳۳۵/۴

۹۲. محقق سبزواری، ۱۲۴۸، ۳۴۳/۱؛ محقق بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۳۱/۴

۹۳. محقق بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۳۱/۴

۹۴. علوی عاملی، بی‌تا، ۲۷۲/۱

۹۵. صاحب جواهر، ۱۳۶۵، ۳۳۵/۴

۹۶. علوی عاملی، بی‌تا، ۲۷۲/۱

۹۷. صاحب جواهر، ۱۳۶۵، ۳۳۶/۴

۹۸. علوی عاملی، بی‌تا، ۲۷۲/۱

۹۹. محقق سبزواری، ۱۲۴۸، ۳۴۳/۱

۱۰۰. شهید اول، ۱۴۱۹، ۲۰/۱

۱۰۱. علامه مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۱۷/۱۴؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۶، ۲۹۶/۳؛ اشتهازدی، ۱۴۱۷، ۴۲۶/۸

۱۰۲. میرزای قمی، ۱۴۱۷، ۵۴۴/۳

عیناً هم تا دانستن خداوند و میت و عین شرک است.^{۱۰۳} البته برخی مسأله را از باب سد ذرائع مطرح کرده، گفته‌اند؛ ساخت و ساز قبور مستقیماً عمل مشرکانه نیست، اما از آن جا که به شرک منتهی می‌شود؛ یعنی زائران در آن جا به عبادت بر می‌خیزند و امثال این‌ها، با استفاده از حجیت سد ذرائع، حرام هستند.^{۱۰۴}

۲- بدعت در دین؛ گفته‌اند؛ در دین چنین مواردی وارد نشده است. شاهد آن هم این‌که همه ائمه دین با آن مخالفت کرده، تفاوتی میان قبر نبی یا غیر نبی قائل نیستند.^{۱۰۵}

۳- روایات؛ از رسول خدا اخباری مبنی بر نهی از تخصیص قبور، وارد شده است، که ظهور در حرمت و عمومیت دارند.^{۱۰۶} بنا بر این استثناء صالحین و اولیاء الهی را که امامیه، شافعی و مالکی ادعا کرده‌اند، دلیل معتبری ندارد.^{۱۰۷} اشکال؛ اخبار ضعیف‌اند.^{۱۰۸}

جواب؛ چنین نیست؛ زیرا احمد، مسلم، نسائی، ابو داوود، ترمذی آن‌ها را با سند عبدالرحمن بن أسود از ابوعمر بصری از محمد بن ربیع از ابن جریح از ابن زبیر از جابر از رسول خدا نقل کرده‌اند،^{۱۰۹} که همگی موثق‌اند. بر همین اساس از آن‌ها به عنوان خبر حسن صحیح یاد شده است.^{۱۱۰}

۴- استحسان؛ مطابق برخی اخبار و صریح کلمات شافعی، تخصیص و بنا بر قبور، زینت است و علاوه بر آن که نفعی برای میت ندارد؛ موجب ضرر هم هست؛ زیرا احتمال آتش گرفتن آن و ایجاد سوختگی بر بدن میت، قابل توجه است.^{۱۱۱}

۵- فعل صحابی به ویژه خلیفه دوم؛ ابن تیمیه گفته است؛ ایشان مردم را از ساخت مساجد و هرگونه سازه‌ای بر قبور نهی می‌کردند و بر اجتناب از این عمل اصرار داشتند.^{۱۱۲}

ارزیابی؛ اما در مورد انتساب حرمت به شهید گفتنی است؛ اولاً ایشان در ادامه مکروهات تدفین نوشته است؛ «تجدید قبور بعد از کهنه شدن قبر مکروه است؛ خواه استخوان‌ها پوسیده باشد یا خیر، مگر آن‌که زمین مسبّل؛ یعنی وقف عام برای عموم مسلمین یا گروهی خاص باشد و استخوان‌ها هم پوسیده باشند، که در این صورت ساخت و ساز بر آن قبر حرام است؛ زیرا در این صورت باعث می‌شود، دیگران به این قبر هجوم آورند و حق موقوف‌علیهم زائل شود.»^{۱۱۳} پس ایشان به عمومیت حرمت که نسبت داده شد باور ندارند. ثانیاً شاید و قویاً منظور ایشان از حرمت ساخت و ساز بر قبور، جائی است که متوقفاً در زمین دیگران دفن شده و مالک هم به زمین خود احتیاج داشته باشد.^{۱۱۴} بر این اساس از نظر شهید حکم به حرمت به‌عنوان یک حکم کلی فقهی نیست بلکه یک مسأله موردی به حساب می‌آید و یا به تعبیر دیگر در این جا حرمت ساخت و ساز ربطی به نفس عمل ندارد بلکه به‌خاطر عوارض خارجی موردی است که بر

۱۰۳. ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ۲۱۵

۱۰۴. ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ۲۱۵

۱۰۵. ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ۲۱۵

۱۰۶. شوکانی، ۱۹۷۳، ۱۳۳/۴؛ سابق، ۱۳۹۷، ۵۵۴/۱

۱۰۷. دویش، ۱۴۲۴، ۲۷۳/۱

۱۰۸. شوکانی، ۱۹۷۳، ۱۳۳/۴

۱۰۹. ترمذی، ۱۴۰۳، ۲۵۸/۲

۱۱۰. ترمذی، ۱۴۰۳، ۲۵۸/۲؛ شوکانی، ۱۹۷۳، ۱۳۳/۴؛ سابق، ۱۳۹۷، ۵۵۴/۱

۱۱۱. سابق، ۱۳۹۷، ۵۵۴/۱؛ سیوطی، ۱۴۰۶، ۸۶/۴؛ سندی، ۱۴۰۶، ۸۶/۴

۱۱۲. قزوینی حائری، ۱۳۹۷، ش، ۵۶

۱۱۳. عاملی، ۱۴۰۲، ۸۴۹/۲

۱۱۴. میرزای قمی، ۱۴

مسأله وارد شده است. شاید به همین خاطر، برخی،^{۱۱۵} به درستی، گفته‌اند؛ کسی از اصحاب، حکم به حرمت مطلق ساخت و ساز، تخصیص یا موارد مشابه دیگر نداده است و همین مقدار، برای تعیین وضعیت مسأله نزد امامیه و تکلیف شیعیان کافی است.

علاوه بر این، آدله مورد استناد عامه هم به شرح زیر مخدوش‌اند؛

یک. تشبه به کفار درست نیست؛ چون اعمال، تابع قصد فاعل هستند؛ یعنی اگر سازنده، قصد عبادت و شرک داشته باشد، قطعاً حرام و موجب شرک مرتکب و نجاست او است. اما در غیر این صورت مانعی ندارد. و اتفاقاً بین شیعیان نسبت به مراقب پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) و حتی بزرگان دینی و وطنی چنین است؛ یعنی هم صاحب قبر را عبادت نمی‌کنند و هم آن‌جا را تابع احکام خاص مسجد، که در فقه مطرح است، نمی‌دانند، بلکه تنها احترام خاصی برای آن قائل هستند و صاحب قبر را واسطه و شفیع بین خود و خداوند می‌دانند.^{۱۱۶} علاوه بر این، اعتقاد به حرمت ساخت قبه بر قبور و در عین حال جواز دفن زیر قبه از قبل ساخته شده، که ابن تیمیّه و عبدالوهاب اعتقاد دارند و در عین حال صحبت از تشبّه به جاهلیت می‌کنند، تعجب‌آور و غیر قابل پذیرش است؛ زیرا از آن‌جا که جهت و ملاک هر دو یکی است و کسی هم فرقی میان این دو قائل نیست، در بیان ایشان، نوعی پارادوکس و تعارض درونی وجود دارد.^{۱۱۷}

اما در مورد سد ذرائع، فارغ از تأملاتی که در حجیت آن است، آن‌گونه که گفته شد، ارتباط بین ساخت و ساز قبور و عمل مشرکانه ظاهر و قطعی نیست. بنا بر این سد ذرائع معتبر نیست.

دو. در مورد اخبار مورد ادعای جمهور، با فرض صحت سند نزد ایشان، اولاً بیشتر فقهاء عامه آن‌ها را حمل بر کراهت کرده و تنها معدودی از ایشان به حرمت فتوا داده‌اند. پس دلالت یا حتی ظهور نهی بر حرمت در این‌جا، چندان قوی نیست. ثانیاً کراهت هم به خاطر منافع زیادی که ساخت و سازها برای زندگان و مردگان دارد، مرتفع شده است.^{۱۱۸}

ثالثاً در متن اخبار هم مناقشه و تأویلاتی صورت گرفته است؛ زیرا برخی گفته‌اند؛ حرمت تا جائی است که موجبات نشستن بر قبور و راه رفتن بر آن‌ها را فراهم کند و نوعی زینت تلقی شود و الا ایرادی ندارد.^{۱۱۹} برخی هم روایات مزبور را حمل بر تخصیص داخل قبر کرده، گنج‌کاری بیرون قبر را بدون ایراد دانسته‌اند.^{۱۲۰} این وجه‌جمع‌ها علاوه بر آن‌که از وجود اخبار معارض حکایت می‌کند، نشان می‌دهد که ظهور مورد استناد و دلالت اخبار تمام و قطعی نیست و تنها در اندازه احتمال ارزش دارد که در اجتهاد قابل‌انکاء نیست.

رابعاً گفته شده است که از قدیم تا کنون هیچ فقیهی به این اخبار عمل نکرده است. و همین برای ضعف روایات با فرض ردّ همه ایرادات بالا کافی است.^{۱۲۱}

سه. مسأله تزئین و ادامه دلیل هم استحساناتی بیش نیستند و نمی‌توان به آن تکیه کرد. به همین خاطر جمهور عامه به آن‌ها توجه و حتی ذکر نکرده‌اند. ضمن این‌که اساساً ضرورتی در یگانگی بین زینت، تعظیم میت و به تبع شرک نیست، بلکه به قصد افراد وابسته است، که پیش از این توضیح داده شد.

۱۱۵. محقق سبزواری، ۱۴۱۳، ۲۲۷/۴

۱۱۶. محقق سبزواری، ۱۴۱۳، ۲۳۰/۴

۱۱۷. قزوینی حائری، ۱۳۹۷، ش، ۵۶

۱۱۸. سبحانی، ۱۴۱۰، ۱۱۶

۱۱۹. سابق، ۱۳۹۷، ۱/۵۵۴؛ نووی، ۱۴۰۷، ۲۷/۷

۱۲۰. نمازی، ۱۴۱۹، ۳۷۲/۸

۱۲۱. حاکم نیشابوری، ۱۴۳۵، ۳۷۰/۱

چهار. در مورد فتوا و قول خلیفه دوم هم بسیاری از مسلمین به ویژه امامیه چنین انتسابی به خلیفه دوم را انکار می کنند؛ به خصوص که خود ایشان و نیز خلیفه اول بر ساخت و ساز قبه بر قبر رسول خدا اصرار و اهتمام داشتند. اضافه بر آن که با فرض صحت انتساب، اجتهاد شخصی ایشان بوده و دست کم از نظر امامیه ارزش فقهی ندارد.^{۱۲۲}

پنج. در برخی متون که به مسأله ساخت و ساز بر جنازه میت نزد عامه پرداخته و از تعبیر «لایجوز» استفاده کرده اند، منظورشان جانی است، که علی رغم امکان حفر زمین و فقدان اضطرار، برای دفن متوفا زمین گود نشود، بلکه جسد روی زمین گذاشته و سازه ای بر آن بنا شود.^{۱۲۳} بنا بر این می توان ادعا کرد که نظریه حرمت برای موارد غالب، که زمینی حفر و بعد از دفن میت روی قبر ساخت و ساز می شود، در میان جمهور هم به مانند امامیه طرف داری ندارد.

۴- نتیجه گیری

۱- همه یا غالب أدله نظریات بالا، حتی مستندات فتوای جواز و کراهت، که قائلین بیشتری دارد، محل تأمل اند. اما با این حال آن چه قطعی و خارج از مناقشه میان فریقین، به ویژه اصحاب امامیه است؛ یکی عدم اعتقاد به حرمت ساخت و ساز قبور به نحو اطلاق است و آن چه هم که به شهید ثانی نسبت داده می شود، نادرست است. دوم آن که اگر عوارض ناصوابی در محل دفن یا ابزار ساخت و ساز قبور روی دهد، به حسب مورد حرام قطعی است، منتها ارتباطی با اصل حکم ندارد و یک مسأله موردی است. سوم آن که آن چه امروزه میان مردمان مسلمان مرسوم است که سنگی روی قبر قرار داده و نام میت را روی آن حک می کنند، قطعاً به منظور حفظ نام و یاد متوفا و ممانعت از دستبرد کفن دزدها و حیوانات به جسد و کهنگی و از بین رفتن قبر است نه چیز دیگری. بر این اساس حتی اگر اضطرار و ضرورتی هم نباشد، مانع شرعی ندارد و از صدر اسلام تا این زمان هم کسی با این سیره مخالفت نکرده است. شاهد آن این که متدینین واقعی و قابل اعتماد و حتی دارای وسواس به انجام احکام شرعی نیز بر این روش مبادرت داشته اند.

۲- ساخت و ساز قبور انبیاء، ائمه، شایستگان امت و ارباب فضل و شرف و بزرگان دین و امثال ایشان قطعاً جایز است و کسی از اصحاب اسلام با این مسأله مخالف نیست، مگر وهابیت که آن ها هم وجه قابل قبولی برای منع ارائه نکرده اند.

منابع

آل طعمه، سلمان هادی. تاریخ مرقد الحسین و العباس. بیروت: مؤسسه الاعلمی. چاپ اول، ۱۴۱۶ق.

آلوسی، سید محمود. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دارالکتب. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

ابن ابی شیبہ، عبدالله. المصنف فی الأحادیث و الآثار. بیروت: دار الفکر. چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

ابن یزاج طرابلسی، عبدالعزیز. المذهب. قم: جامعه مدرسین. چاپ اول، ۱۴۰۶ق.

ابن جنید، محمد. مجموعه فتاوی ابن جنید. قم: جامعه مدرسین. چاپ اول، ۱۴۱۶ق.

ابن حبان، محمد. الصحيح. با ترتیب و تنظیم ابن بلبان. بیروت: مؤسسه الرساله. چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

ابن حمزه، محمد. الوسيلة إلى نيل الفضيلة. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی. چاپ اول، ۱۴۰۸ق.

ابن تیمیّه، أحمد. رأس الحسین (علیه السلام). بیروت: دار الکتب. چاپ اول، ۱۴۰۶ق.

ابن حیون، نعمان. تأویل الدعائم. با تحقیق محمد حسن اعظمی. قاهره: دارالمعارف. چاپ اول.

ابن رشد حفید، محمد. بدایه المجتهد و نهایه المقتصد. بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ق.

ابن منظور، محمد. لسان العرب. بیروت: دار الفکر - دار صادر. چاپ سوم، ۱۴۱۴.

۱۲۲. قزوینی حائری، ۱۳۹۷ش، ۵۶

۱۲۳. جزیری و همکاران، ۱۴۱۹، ۶۸۴

- اشتهداردى، على پناه. فتاوى ابن جنيد. قم: جامعه مدرسين. چاپ أول، ١٤١٦ق.
- مدارك العروة. تهران: دار الأسوه. چاپ أول، ١٤١٧ق.
- امام مالك، مالك بن أنس. المدونه الكبرى. بيروت: دار الكتب العلميه. چاپ أول، ١٤١٥.
- الحطاب الرعيني، محمد. مواهب الجليل لشرح مختصر خليلي. بيروت: دار الكتب. چاپ أول، ١٤١٦ق.
- برقى، احمد. المحاسن. قم: دارالكتب. چاپ دوم، ١٣٧١ق.
- ترمذى، محمد. السنن. بيروت: دار الفكر. چاپ أول، ١٤٠٣ق.
- جزيرى، عبدالرحمن؛ غروى، سيد محمد؛ مازح، ياسر. الفقه على المذاهب الاربعه و مذهب أهل البيت عليهم السلام. بيروت: دار الثقلين. چاپ أول، ١٤١٩ق.
- حائرى اصفهاني، محمدحسين. الفصول الغرويه فى الأصول الفقهيّه. قم: دار إحياء العلوم. چاپ أول، ١٤٠٤ق.
- حاكم نيشابورى، محمد. المستدرک على الصحيحين. بيروت: دار التأصيل. چاپ أول، ١٤٣٥ق.
- حرز الدين، عبدالرزاق. تاريخ النجف. قم: دليل ما. چاپ أول، ١٣٨٥ق.
- حميرى، نشوان. شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم. بيروت: دار الفكر المعاصر. چاپ أول، ١٤٢٠ق.
- دويش، أحمد عبدالرزاق. فتاوى اللجنه الدائمه للبحوث العلميه و الإفتاء. رياض: دارالمؤيد. چاپ أول، ١٤٢٤ق.
- راغب اصفهاني، حسين. مفردات ألفاظ القرآن. بيروت-دمشق: دار العلم - الدار الشاميه. چاپ أول، ١٤١٢ق.
- رافعى، عبدالكريم. فتح العزيز. بيروت: دارالفكر. چاپ أول، ١٣٤٤ق.
- سابق، السيد. فقه السنه. بيروت: دار الكتاب العربى. چاپ أول، ١٣٩٧ق.
- سبحانى، جعفر. فى ظلّ أصول الاسلام. قم: مؤسسه امام صادق. چاپ أول، ١٤١٠ق.
- الزّهائيه فى الميزان. بيروت: دار الصديق الأكبر. چاپ أول، ١٤٢٧ق.
- سرخسى، شمس الدين. المبسوط. بيروت: دار المعرفه. چاپ أول، ١٤٠٦ق.
- سندى، محمد. حاشية السندى على النسائى. بيروت: دار الكتب العلميه. چاپ أول، ١٤٠٦ق.
- سيوطى، جلال الدين. شرح سنن النسائى. بيروت: دار الكتب العلميه. چاپ أول، ١٤٠٦ق.
- شافعى صغير، شمس الدين. نهايه المحتاج إلى شرح المنهاج. بيروت: دار إحياء التراث. چاپ أول، ١٤١٣ق.
- شربينى، محمد. مغنى المحتاج. بيروت: دار إحياء التراث. چاپ أول، ١٩٥٨م.
- شروانى، عبدالحميد؛ أحمد عبادى. حاشيه على تحفه المنهاج. بيروت: دار إحياء التراث. چاپ أول، بى تا.
- شوكانى، محمد. نيل الأوطار من أحاديث سيد الأخبار. بيروت: دار الجيل، ١٩٧٣م.
- شهيد أول، محمدبن جمال الدين. ذكرى الشيعة فى أحكام الشريعة. قم: مؤسسه آل البيت. چاپ أول، ١٤١٩ق.
- المزار فى كيفية زيارات النبي و الأئمة عليهم السلام. قم: مدرسه امام مهدى. چاپ أول، ١٤١٠ق.
- شهيد صدر، سيد محمدباقر. بحوث فى علم الاصول. قم: دائره المعارف الفقه الاسلامى. چاپ سؤم، ١٤٢٦ق.
- شيخ حرّ عاملى، محمدبن حسن. تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة. قم: آل البيت. چاپ أول، ١٤٠٩ق.
- شيخ صدوق، محمدبن على. علل الشرائع. قم: كتابفروشى داورى. چاپ أول، ١٣٨٦ق.
- معاني الأخبار. قم: جامعه مدرسين. چاپ أول، ١٤٠٣ق.
- من لا يحضره الفقيه. قم: جامعه مدرسين. چاپ دوم، ١٤١٣ق.

- شيخ طوسي، محمد بن حسن. الاستبصار فيما اختلف من الأخبار. طهران: دار الكتب الإسلامية. چاپ أول، ۱۳۹۰ق.
-
- تهذيب الأحكام. طهران: دار الكتب الإسلامية. چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
-
- المبسوط في فقه الإمامية. تهران: المكتبة المرتضوية. چاپ سوم، ۱۳۸۷.
-
- النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى. بيروت: دار الكتاب العربي. چاپ دوم، ۱۴۰۰.
-
- مصباح المتهجد. بيروت: مؤسسة فقه الشيعة. چاپ أول، ۱۴۱۱.
-
- روض الجنان في شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر تبليغات حوزة. چاپ أول، ۱۴۰۲ق.
-
- فوائد القواعد. قم: دفتر تبليغات حوزة. چاپ أول، ۱۴۱۹ق.
-
- صاحب جواهر، محمد حسن. جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام. تهران: دار الكتب. چاپ أول، ۱۳۶۷ق.
-
- طبرسي، فضل. مجمع البيان في تفسير القرآن. تهران: منشورات ناصر خسرو. چاپ سوم، ۱۴۱۳ق.
-
- عاملی، ياسين عيسى. الاصطلاحات الفقهية في الرسائل العملية. بيروت: دارالبلاغه. چاپ أول، ۱۴۱۳ق.
-
- عظیم آبادی، محمد. عون المعبود شرح سنن أبي داود. بيروت: دار الكتب العلمية. چاپ أول، ۱۴۱۵ق.
-
- علامه حلی، حسن بن يوسف. تذكرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت. چاپ أول، ۱۴۱۴ق.
-
- قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام. قم: جامعه مدرسين. چاپ أول، ۱۴۱۳ق.
-
- مختلف الشيعة في أحكام الشريعة. قم: جامعه مدرسين. چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
-
- منتهى المطلب في تحقيق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية. چاپ أول، ۱۴۱۲ق.
-
- نهاية الأحكام في معرفة الأحكام. قم: مؤسسه آل البيت. چاپ أول، ۱۴۱۹ق.
-
- علامه طباطبائی، سيد محمد حسين. الميزان في تفسير القرآن. قم: جامعه مدرسين. چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
-
- علامه مجلسی، محمد باقر. بحار الأنوار. بيروت: مؤسسة الطبع و النشر. چاپ أول، ۱۴۱۰ق.
-
- مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول. تهران: دار الكتب الإسلامية. چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
-
- ملاذ الأخيار في فهم تهذيب الأخبار. قم: كتابخانه آية الله مرعشي. چاپ أول، ۱۴۰۶ق.
-
- علوی عاملی، مير سيد أحمد. مناهج الأخيار في شرح الاستبصار. قم: مؤسسه اسماعيليان. چاپ أول، بی تا.
-
- فخر رازی، محمد. التفسير الكبير (مفاتيح الغيب). بيروت: دار إحياء التراث العربي. چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
-
- فاضل هندی، محمد. كشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام. قم: جامعه مدرسين. چاپ أول، ۱۴۱۶.
-
- قزوينی حائری، سيد محمد حسن. البراهين الجليلية في رفع تشكيكات الوهابية. بيروت: الوفاء. چاپ أول، ۱۳۹۷ش.
-
- كاشف الغطاء، جعفر. كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء. قم: دفتر تبليغات. چاپ أول، ۱۴۲۲ق.
-
- كليدار، عبد الجواد. تاريخ كربلا و حائر الحسين. بغداد: مطبعة المعارف. چاپ أول، ۱۳۶۸ق.
-
- كلينی، محمد. الكافي. تهران: دار الكتب الإسلامية. چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
-
- مباركفوری، محمد. تحفه الأحوذی بشرح جامع الترمذی. بيروت: دار الكتب العلمية. چاپ أول، ۱۴۱۰ق.
-
- محدث نوری، حسين. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: آل البيت. چاپ أول، ۱۴۰۸ق.
-
- محقق بحرانی، يوسف بن أحمد. الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة. قم: جامعه مدرسين. ۱۴۰۵ق.
-
- محقق حلی، جعفر بن حسن. المعتمد في شرح المختصر. قم: مؤسسه سيد الشهداء. چاپ أول، ۱۴۰۷ق.
-
- محقق سبزواری، سيد عبدالأعلى. مهذب الأحكام في بيان الحلال و الحرام. قم: المنار. چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.

- محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد. ذخیره المعاد في شرح الإرشاد. قم: آل البيت. چاپ أول، ۱۲۴۷ق.
- محقق كركی، علی بن عبدالعالی. جامع المقاصد في شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت. چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- مظفر، محمد رضا. اصول الفقه. قم: اسماعیلیان. چاپ هشتم، ۱۴۱۷ق.
- معلوف، لوئیس. المنجد. بیروت: الکتانولکیتیه. چاپ أول، ق ۱۹۰۸م.
- مغنیه، محمد جواد. الفقه علی المذاهب الخمسة. بیروت: دار التیاری الجدید - دار الجواد. چاپ دهم، ۱۴۲۱ق.
- مکارم شیرازی، ناصر. الربا و البنک الإسلامی. قم: انتشارات مدرسه امام علی. چاپ أول، ۱۴۲۲ق.
-
- الشیعه؛ شبهات و ردود. قم: انتشارات مدرسه امام علی. چاپ أول، ۱۴۲۸ق.
- موسوی (سید مرتضی)، علی. رسائل الشریف المرتضی. قم: دار القرآن الکریم. چاپ أول، ۱۴۰۵ق.
- موسوی، محمد. مدارک الأحکام في شرح عبادات شرائع الإسلام. بیروت: آل البيت. چاپ أول، ۱۴۱۱ق.
- میرزای قمی، أبو القاسم. غنائم الأیام في مسائل الحلال و الحرام. قم: دفتر تبلیغات حوزه. چاپ أول، ۱۴۱۷ق.
- نراقی، محمد مهدی. معتمد الشیعه في أحکام الشریعه. قم: کنگره بزرگداشت نراقی. چاپ أول، ۱۴۲۲ق.
- نمازی، علی. مستدرک سفینه البحار. قم: جامعه مدرسین. چاپ أول، ۱۴۱۹ق.
- نووی، محیی الدین. روضه الطالبین. بیروت: المکتب الإسلامی. چاپ أول، ۱۴۰۵ق.
-
- شرح صحیح مسلم. بیروت: دار الکتب العربی. چاپ أول، ۱۴۰۷ق.
- واسطی، سید محمد مرتضی. تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر. چاپ أول، ۱۴۱۴.
- همدانی، رضابن محمد هادی. مصباح الفقیه. قم: مؤسسه مهدی موعود. چاپ أول، ۱۴۲۱.